

انتشارات انصار امام مهدي عليه السلام عدد (٦٧)

آنكه شما مرا شناخت

خدا مرا شناخت

نويسنده

شيخ ناظم عقيلي

ترجمه: يوسف الأنصار

١٤٢٨ هـ ق، ١٣٨٦ هـ ش

چاپ اول

۱۴۳۴ هـ - ۲۰۱۲ م

اسفند ماه سال ۱۳۹۱ هجری شمسی

جهت اطلاعات بیشتر در مورد دعوت مبارك سيد احمد الحسن عليه السلام

انر سايت ما بانرديد فرماييد:

<http://mahdyeen.org>

<http://mahdyeen.org/ir>

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.

آنکه شما را شناخت، خدا را شناخت

شبهه ی اعتراض بر آنچه سید احمد الحسن وصی و فرستاده ی امام مهدی عليه السلام در جزء اول از کتاب متشابهات، در مورد توضیح معنی: (خدا را از طریق خدا بشناس) نگاشت. و برای هر منصفی کلام سید احمد الحسن و خلاصه ی شبهه و سپس پاسخ به آن با روشنی بیان از طریق محمد و عترت پاک او (درود خدا بر همه آنها باد) را ذکر می کنم.

س: خدا را با خدا یعنی (از طریق خدا) بشناس، یعنی چه؟

ج: یعنی خداوند منزّه و متعال را از طریق خدای در خلق که حضرت امام مهدی عليه السلام است بشناس. او که درود خدا بر او باد تجلی و ظهور خداوند در خلق است یعنی تجلی و ظهور شهر کمالات الهی، و به عبارت دیگر تجلی و ظهور اسماء پاک خداوند در خلق است. پس او درود خدا بر او باد وجه الله سبحانه و تعالی است که به وسیله ی آن با خلق خود مواجه می شود، حال هر آن کس که شناخت خداوند را می خواهد به ناچار باید حضرت امام مهدی عليه السلام را بشناسد. (پایان فرموده های سید احمد الحسن).

می گویم: هیچ شکی در آن نیست که خداوند سبحان را نمی توان شناخت مگر از طریق حجت های بر خلقش، و اگر این چنین نبود نفی بر آن بود که آنها راهنمایی برای رسیدن به خدا و سفیرانش برای خلق و صراط مستقیمش که هر کس از آن دوری کرد در آتش شرک و تجسید و کفر واقع خواهد شد، پس ایشان درود خدا بر آنها باد خدا هستند که از آن وارد می شوند و وجه او که با آن با خلق مواجه شد، پس آیا می توان از غیر درب خانه وارد آن شد؟ پس هر کس از غیر درب خانه وارد آن شد دُزد نامیده می شود. و قصد من از درب

و وجه همان درب شناخت و معرفت و هدایت به توحید خداوند بلند مرتبه و عبادت و منزه کردن او از صفات مخلوقاتش "پاک و منزه است از آنچه می گویند بسی والاتر است" می باشد.

و اگر شناخت و معرفت خدا بدون حجت های بر خلق ممکن است، پس فرستادن انبیاء و اوصیاء بیهوده می بود و هیچ نیازی به کتابهایی که با آنها از جانب خدا آمدند نبود، و با این حال هر فردی برای خود حجت بود، و با آن حال تعداد حجت ها به تعداد خلق خواهد بود، و این را شخص عاقل و دانا نمی گوید.

بنابراین بین خلق و خالق سفیری باید باشد تا دست های آنها را بگیرد و به راه مستقیم من جمله شناخت خدا و یکتا پرستی و عبادت واقعی هدایت کند، و روایات بسیاری به این مورد اشاره کرده اند که آنها را ذکر خواهیم کرد ان شاء الله تعالی، و بلکه این امری بدیهی است که نیاز به بیان بسیار ندارد.

و برای من باعث تعجب است، که مطلبی را از شیخ احمد بغدادی یکی از پیروان سید محمد صرخی مطالعه کردم که این امر را منکر می شود، و می گوید خدای متعال توسط هیچ کس حتی انبیاء و اوصیاء درود خداوند بر همه ی آنها باد شناخته نمی شود، و بر فرموده های سید احمد الحسن در احکامی که از ائمه علیهم السلام وارد شده احتجاج کرده است: (خدا را با خدا بشناس)، و مُراد از آن این است که خدا را بواسطه ی امام مهدی علیه السلام در این زمان بشناس.

و شیخ احمد بغدادی سخن طولانی در این باره یاد کرد که از بداهت مردود و ارزش پاسخ طولانی ندارد، ولیکن به اختصاری که نتیجه ی گفته های احمد بغدادی است پاسخ می دهم که گفت: (... از آن متوجه می شویم و می دانیم که خدای پاک و منزه بواسطه ی بندگانش شناخته نمی شود) حتی اگر شخصاً امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) باشد).

و همچنین با برخی از روایات ایراد شده از عترت پاک علیهم السلام استدلال نمود، و تمامی این روایات را مورد بحث و بررسی قرار می دهم و آنها را با روایاتی که به صراحت و روشنی کامل که خدای متعال از طریق محمد و آل محمد علیهم السلام در هر زمان شناخته می شود را جمع می

بندم، و کسی که خواستار شناخت خداوند متعال از غیر آنها علیه السلام باشد پس نتیجه ای در بر ندارد جز جهل و گمراهی و گمراه کردن.

پس می گویم: نتیجه ای که شیخ احمد بغدادی (خداوند توفیقش دهد) به آن دست پیدا کرد ممکن نیست در برابر آن تسلیم شویم بدلیل مخالفت آن با روایات متواتر که اشاره به این دارند، خداوند متعال بواسطه ی ائمه علیهم السلام به حق شناخته می شود، و صراحت آن روایات ممکن نیست با روایاتی که آنها را ذکر کرد در تضاد باشند، جائیکه جمع بین دو دسته از روایات سخن نیک در شناخت خداوند متعال از طریق ائمه علیهم السلام را ممکن می سازد، زیرا آن چه را که شیخ احمد بغدادی از روایات ذکر کرد از روایات صریح متواتر که آنها را ذکر خواهیم کرد ضعیفترین دلالت است، خصوصاً آنچه که در مورد تعارض ظنی الدلاله با قطعی الدلاله مطالعه خواهید کرد و آن تقدیم قطعی بر ظنی یا گمانی است، و همچنین در تعارض متواتر با آحاد، آن تقدیم دلالت متواتر و تأویل آحاد جهت توافق با متواتر است، و از ائمه علیهم السلام ایراد شده است: (الزموهم بما أئزموا به أنفسهم)، (آنان را ملزم کنید به آنچه بر خود ملزم کردند). و این روایاتی هستند که اشاره به انحصار شناخت حقیقی خداوند متعال از طریق فقط آل محمد علیهم السلام است:

مرایات اول:

در زیارت جامعه، از امام رضا علیه السلام: (السَّلَامُ عَلَى أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَأَصْفِيَاءِهِ، السَّلَامُ عَلَى أُمَّنَاءِ اللَّهِ وَأَحْبَابِهِ، السَّلَامُ عَلَى أَنْصَارِ اللَّهِ وَخُلَفَائِهِ، السَّلَامُ عَلَى مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مَسَاكِينِ ذِكْرِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُظْهِرِي أَمْرِ اللَّهِ وَنَهْيِهِ، السَّلَامُ عَلَى الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُسْتَقْرِرِينَ فِي مَرْضَاةِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُخْلِصِينَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى الْأَدْلَاءِ عَلَى اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى الَّذِينَ مَنْ وَالَاهُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّهُ وَمَنْ عَادَاهُمْ فَقَدْ عَادَى اللَّهُ، وَمَنْ عَرَفَهُمْ فَقَدْ عَرَفَ اللَّهَ وَمَنْ جَهَلَهُمْ فَقَدْ جَهَلَ اللَّهَ، وَمَنْ اعْتَصَمَ بِهِمْ فَقَدْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ، وَمَنْ تَخَلَّى مِنْهُمْ فَقَدْ تَخَلَّى مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَأَشْهَدُ اللَّهُ أَيُّ سَلْمٍ لِمَنْ سَأَلْتُمْ وَحَرْبٍ لِمَنْ حَارَبْتُمْ....) ^(۱).

(سلام بر اولیای خدا و برگزیدگانش، سلام بر امینان خدا و دوستانش، سلام بر یاران خدا و خلیفه گانش، سلام بر امینان خدا و دوستانش، سلام بر یاران خدا و خلیفه هایش، سلام بر جاهگاه های معرفت خدا، سلام بر خانه های ذکر خدا، سلام بر آشکار کنندگان امر و نهی خدا، سلام بر دعوت کنندگان به سوی خدا، سلام بر استقرار یافتگان در عرصه ی رضایت خدا، سلام بر مخلصان در طاعت خدا، سلام بر راهنمایان به سوی خدا، سلام بر آنان که هر که دوستشان داشته، خدا را دوست داشته، و هر که دشمنشان داشته، خدا را دشمن داشته، و هر که آنان را شناخت، خدا را شناخته، و هر که آنان را نشناخت، خدا را نشناخته، و هر که به آنان چنگ زد، در حقیقت به خدا چنگ زده، و هر که آنان را ترك گفت، همان خدای عزّ و جلّ را ترك گفته است، و خدا را گواه می گیرم که من در صلحم با هر که شما با او در صلح هستید، و در جنگم با هر که شما با او در جنگید...).

و این متنی صریح و روشن است که خداوند متعال شناخت واقعی اش بدست نمی آید مگر از طریق حجت های او علیه السلام، و ممکن نیست آن کس که نسبت به آنها شناختی نداشته باشد خدا را بشناسد، و ای کاش می دانستم که چگونه در میدان جنگ و کارزار بدون سلاح از خود دفاع می کند؟!)

و در زیات جامعه ی کبیره از امام علی هادی علیه السلام: (..... بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بَدَأَ بِكُمْ وَمَنْ وَحَدَهُ قَبِلَ عَنْكُمْ وَمَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ.....)^(۱).

(... پدر و مادر و جان و خانواده و مالم فدای شما، هر که آهنگ خدا کند، به وسیله ی شما آغاز می کند...).

روایت دوم:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: (أَبَى اللَّهُ أَنْ يُجْرِيَ الْأَشْيَاءَ إِلَّا بِالْأَسْبَابِ فَجَعَلَ لِكُلِّ سَبَبٍ شَرْحًا، وَجَعَلَ لِكُلِّ شَرْحٍ عِلْمًا، وَجَعَلَ لِكُلِّ عِلْمٍ بَابًا نَاطِقًا عَرَفَهُ مَنْ عَرَفَهُ وَجَهَلَهُ مَنْ جَهَلَهُ ذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَنَحْنُ) ^(۱).

امام صادق عليه السلام فرمودند: (خدا ابا دارد که کارها را بدون اسباب فراهم آورد، پس برای هر چیزی سبب و وسیله ای قرار داد و برای هر سببی شرح و گشایشی و برای هر شرحی، نشانه ای و برای هر نشانه دری گویا نهاد که جمعی آن را شناختند و عده ای نسبت به آن جهل ورزیدند آن در گویا و ناطق رسول خدا صلى الله عليه وآله است و ما).

روایت سوم:

عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: (نَحْنُ وُلَاةُ أَمْرِ اللَّهِ، وَخَزَنَةُ عِلْمِ اللَّهِ، وَعَيْبَةُ وَحْيِ اللَّهِ، وَأَهْلُ دِينِ اللَّهِ، وَعَلَيْنَا نَزَلَ كِتَابُ اللَّهِ، وَبِنَا عُيِدَ اللَّهُ، وَلَوْلَا نَا مَا عُرِفَ اللَّهُ، وَنَحْنُ وَرَثَةُ نَبِيِّ اللَّهِ وَعِثْرَتُهُ) ^(۲).

عبد الرحمن بن کثیر گفت از حضرت صادق عليه السلام شنیدم می فرمود: (ما فرمانروایان فرمان خدا، و گنجینه های علم خدا، و مخزن وحی او، و اهل دین خدا هستیم، کتاب خدا بر ما نازل شده، بواسطه ما خدا پرستش شد اگر ما نبودیم خدا شناخته نمی شد، ما وارث پیامبر خدا و عترت او هستیم).

و گمان نمی کنم شیخ بغدادی نمی داند که (لولا یعنی اگر) حرف امتناع برای وجود است، یعنی اگر وجود ائمه عليهم السلام نبود خداوند متعال شناخته نمی شد، پس چگونه ممکن است گفته شود که شناخت خداوند بدون ائمه عليهم السلام ممکن است حاصل شود؟!!

۱- بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليه وسلم: ج ۱ ص ۳ - ۶ باب معرفة العالم الذي من عرفه عرف الله و من أنكره أنكر الله تعالى والسبب الذي يوفق لمعرفة.

۲- بصائر الدرجات، محمد بن الحسن صفار: ص ۸۱.

مروایت چهارم:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: (إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَنَا فَأَحْسَنَ خَلْقَنَا، وَصَوَّرَنَا فَأَحْسَنَ صُورَنَا، وَجَعَلَنَا خُزَانَهُ فِي سَمَائِهِ وَأَرْضِهِ، وَلَنَا نَطَقَتِ الشَّجَرَةُ، وَبِعِبَادَتِنَا عُبِدَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ، وَلَوْلَانَا مَا عُبِدَ اللَّهُ) ^(۱).

از ابی عبد الله علیه السلام فرمودند: (خدای عز و جل ما را آفرید و آفرینش ما را نیکو ساخت و ما را صورتگری کرد و نیکو تصویر نمود و ما را در آسمان و زمینش خزانة دار ساخت و برای ما درخت سخن گفت و بوسیله ی عبادت ما خدای عز و جل عبادت شد و اگر ما نبودیم، خدا پرستیده نمی شد).

مروایت پنجم:

عن سدير، عن أبي جعفر عليه السلام، قال: سمعته يقول: (نحن خزان الله في الدنيا والآخرة وشيعتنا خزاننا ولولانا ما عرف الله) ^(۲).

از سدير، از ابی جعفر علیه السلام گفت: شنیدم ایشان علیه السلام می فرمودند: (ما خزانة داران خدا در دنیا و آخرت هستیم و شیعیانمان خزانة داران ما و اگر ما نبودیم خدا شناخته نمی شد).

مروایت ششم:

عَنْ بُرَيْدِ الْعَجَلِيِّ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرَ عليه السلام يَقُولُ: (بِنَا عُبِدَ اللَّهُ، وَبِنَا عُرِفَ اللَّهُ، وَبِنَا وَحَدَّ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى، وَمُحَمَّدٌ حِجَابُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى) ^(۳).

از برید عجلی گوید: از امام محمد باقر علیه السلام شنیدم که فرمودند: (بوسیله ی ما خدا پرستش شد، و بوسیله ی ما خدا شناخته شد، و بوسیله ما خدای تبارک و تعالی را یگانه شناختند، و محمد پرده دار خدای تبارک و تعالی است).

۱- بصائر الدرجات - محمد بن الحسن الصفار: ص ۱۲۵، و اصول کافی: جلد ۱ ص ۲۷۵ روایت ۶.

۲- بصائر الدرجات - محمد بن الحسن صفار: ص ۱۲۵.

۳- اصول کافی: ج ۱ ص ۱۴۵.

پس شما را به پروردگارتان آیا متن هایی صریح تر و روشن تر از این می بینید که خداوند بزرگ مرتبه بواسطه ی ائمه علیهم السلام (بنا یعرف الله یعنی شناخت خدا بواسطه ی ما حاصل می شود) شناخته می شود؟ و گمان نمی کنم روایت نیاز به بیان بیشتری باشد، و همچنین گمان نمی کنم شیخ بغدادی هنوز به گفته اش چنگ زده باشد: (... از آن متوجه می شویم و می دانیم که خدای پاک و منزّه بواسطه ی بندگانش شناخته نمی شود (حتی اگر شخصاً امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) باشد).

بنابراین گفته های ایشان عبارت است از اجتهاد در مقابل نص یا متن صریح. از خداوند متعال خواهیم تا او را توفیق دهد تا از آن بازگردد و فضیلتی از فضایل اهل بیت علیهم السلام را انکار نکند.

روایت هفتم:

عَنْ جَابِرٍ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ: (إِنَّمَا يَعْرِفُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَيَعْبُدُهُ مَنْ عَرَفَ اللَّهَ وَعَرَفَ إِمَامَهُ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ، وَمَنْ لَا يَعْرِفُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَلَا يَعْرِفُ الْإِمَامَ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ فَإِنَّمَا يَعْرِفُ وَيَعْبُدُ غَيْرَ اللَّهِ هَكَذَا وَاللَّهِ ضَالًّا) ^(۱).

از جابر گوید: از امام محمد باقر علیه السلام شنیدم: (کسی خدا را می شناسد و او را عبادت می کند که معرفت به خدا و امام از اهل بیت علیهم السلام داشته باشد. کسی که معرفت به امام از اهل بیت علیهم السلام نداشته باشد، غیر خدا را می شناسد و غیر او را عبادت می کند).

روایت هشتم:

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: (الْأَوْصِيَاءُ هُمْ أَبْوَابُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ الَّتِي يُؤْتَى مِنْهَا وَلَوْلَاهُمْ مَا عَرَفَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَهُمْ اِحْتَجَّ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى خَلْقِهِ) ^(۲).

۱- اصول کافی: ج ۱ ص ۱۸۱.

۲- اصول کافی: ج ۱ ص ۱۹۳.

امام صادق علیه السلام فرمود: (اوصیاء پیغمبر در ب های توجه بسوی خدای عز و جل باشند و اگر ایشان نبودند، مردم خدای عز و جل را نمی شناختند و خدای تبارک و تعالی بوسیله ی ایشان بر خلقش احتجاج کند).

و مولی محمد صالح مازندرانی ج ۵ ص ۱۷۵ در شرح اصول کافی و در ذیل این روایت گفت: (فرموده اش: "اوصیاء در ب های به سوی خدای عز و جل هستند" یعنی در ب های بهشت یا در ب های علمش همانطور که فرمود علیه السلام، "أنا مدينة العلم و علی بابها" یعنی "من شهر علم هستم و علی علیه السلام در ب آن شهر است"، "و البيوت إنما تؤتی من أبوابها" و خانه ها را از در ب وارد می شوند"، و منظورشان کسی که طلب علم و حکمت و اسرار شریعت و نزدیکی به خدا را بخواهد به اوصیاء رجوع و خانه ها را از در ب ها وارد شود و تقوای الهی پیشه کند، پس هر کس از در ب خانه ها وارد نشد دُزد نامیده می شود. و فرموده اش: "و لولا هم ما عرف الله" یعنی "اگر آنها نبودند خداوند شناخته نمی شد"، زیرا عظمتش بالاتر و والاتر از آن است که کسی بتواند به آن برسد، و رفعت او بزرگوارتر است از اینکه هر حاضر و غائب به او نظر کند، و راهش باریکتر از آن است که قدم او هام در آن پا بردارد، و شریعتش شریفتر از آن است که ساخته های او هام را بپذیرد، پس اگر هدایت اوصیاء و راهنمایی اولیاء نبود متحیر و سرگشته در راه نادانی، و در بستر گمراهی خوابیده باقی می ماندند، همانگونه که می بینید آن کسانی که از توسل به هدایتشان و چنگ به عصمتشان دوری جستند، پس بعضی از آنها تجسید را باور و بعضی از آنها با تصور و بعضی از آنها با محدوده سازی و بعضی با نفشه کشی و خیال پردازی، و بعضی می گویند او مکانی برای صفات و بعضی دیگر می گویند او قابلیت حرکت و انتقال دارد و غیر آن از راه های باطل. و عصمت و توفیق از جانب پروردگار است).

روایت نهم:

عن ابی عبدالله، عن أبیه علیهما السلام، أنه قال لرجل وقد کلمه بكلام کثیر. فقال: (أیها الرجل، تحتقر الکلام و تستصغره. اعلم أنّ الله عز وجل لم یبعث رسله حیث بعثها ومعها ذهب

ولا فضاة ولكن بعثها بالكلام، وإنما عرف الله جل وعز نفسه الى خلقه بالكلام والدلالات عليه والاعلام^(۱).

امام صادق عليه السلام فرمود: (مردی حضور پدرم زیاد حرف زد. امام باقر عليه السلام به وی فرمود: سخن را تحقیر می کنی و آن را کوچک و ناچیز می شمری. بدان که خداوند پیمبران خود را با طلا و نقره مبعوث نفرمود، بلکه آنان را با کلام بین مردم فرستاد، و خداوند نیز خود را معرفی فرموده و به وسیله ی کلام و به وسیله دلایل و نشانه ها).

مروایت دهم:

عَنْ سَلْمَةَ بْنِ عَطَا، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، قَالَ: (خَرَجَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام عَلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ ذَكَرَهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبْدُوهُ، فَإِذَا عَبْدُوهُ اسْتَعْنَوْا بِعِبَادَتِهِ عَنْ عِبَادَةِ مَا سِوَاهُ. فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي فَمَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ؟ قَالَ: مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ)^(۲).

از سلمه بن عطا، از امام جعفر الصادق عليه السلام فرمودند: (حضرت امام حسین عليه السلام در میان اصحاب خود فرمود: اصحاب من! خداوند مردم را آفرید تا او را بشناسند وقتی شناختند او را می پرستند وقتی او را پرستیدند از پرستش دیگران دست می کشند. مردی عرض کرد: یا ابن رسول الله پدر و مادرم فدایت معنی معرفت خدا چیست؟ فرمود: همان معرفت و شناخت اهل هر زمانی است امام زمان خود را).

مروایت یازدهم:

عن سليمان بن مهران، عن الصادق جعفر بن محمد، عن أبيه، عن آباءه، عن علي عليه السلام، قال: (قال رسول الله صلى الله عليه وآله: يا علي، أنت أخي ووارثي ووصيي وخليفتي في أهلي وأمتي، في حياتي وبعد مماتي، محبك محبي، ومبغضك مبغضي. يا علي، أنا وأنت أبوا هذه الأمة، يا علي، أنا وأنت

۱- اصول کافی: ج ۸ ص ۱۴۸.

۲- علل الشرائع - شیخ صدوق: ج ۱ ص ۹.

والأئمة من ولدك سادة في الدنيا، وملوك في الآخرة، من عرفنا فقد عرف الله، ومن أنكرنا فقد أنكر الله عز وجل^(۱).

از سلیمان بن مهران، از امام جعفر صادق بن محمد، از پدرش، او از پدرانش، از علی علیه السلام، فرمودند: (رسول الله صلی الله علیه و آله) فرمودند: ای علی تو برادر و وارث و وصی و خلیفه ی منی در خاندانم و در امتم در زندگیم و بعد از مرگم، دوستت دوست من و دشمنت دشمن من است. ای علی من و تو دو پدر این امیتیم، ای علی من و تو و امامان از فرزندان سادات دنیا و ملوک آخرتیم، هر که ما را شناسد خدا را شناخته و هر که منکر ما شود منکر خداست).

مروایت دوازدهم:

عن ابن أبي يعفور، قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: (إن الله واحد، أحد، متوحد بالوحدانية، متفرد بأمرة، خلق خلقاً ففوض إليهم أمر دينه، فنحن هم يا ابن أبي يعفور، نحن حجة الله في عباده، وشهداؤه على خلقه، وأمناؤه على وحيه، وخزانه على علمه، ووجهه الذي يؤتي منه، وعينه في بريته، ولسانه الناطق، وقلبه الواعي، وبابه الذي يدل عليه، ونحن العاملون بأمرة، والداعون إلى سبيله، بنا عرف الله، وبنا عبد الله، نحن الأدلاء على الله، ولولانا ما عبد الله)^(۲).

ابن ابی یعفور گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: (ای پسر ابی یعفور، همانا خدا یکتاست و در یکتائی یگانه است (بی شریک است و بسیط مطلق و حتی صفاتش زائد بر ذاتش نیست) در کار خود یکتاست، پس مخلوقی را آفرید و ایشان را برای این کار (خلافت و امامت) سنجید و مقدر کرد و ما هستیم آن مخلوق ای پسر ابی یعفور، و ما هستیم حجت خدا در میان بندگانش و گواهان بر خلقش، و امانتداران وحی او، و خزانه داران علمش، و آن وجهی که با آن بسوی خدا توجه باید کرد و نظاره گران در میان بندگانش، و زبان ناطقش، و قلب درک کننده اش، و دربی که از آن وارد می شوند، و ما به امر او عمل می کنیم، و به راهش دعوت می نماییم، بوسیله ی ما خدا شناخته شد، و بوسیله ی ما خدا پرستیده شد. ما راهنمایان به سوی خداییم، و اگر ما نبودیم خدا عبادت نمی شد).

۱- آمالی شیخ صدوق: ص ۷۵۴.

۲- توحید شیخ صدوق: ص ۱۵۲.

مروایت سیزدهم:

قال الصادق عليه السلام: (لولا الله ما عرفنا و لولا نحن ما عرف الله) ^(۱).
امام صادق عليه السلام فرمودند: (اگر خدا نبود شناخته نمی شدیم و اگر ما نبودیم خدا شناخته نمی شد).

و شرح این روایت خواهد آمد، و آن حلقه ی پیوند بین جمع بستن روایات و بیان آنهاست، پس منتظر باش و سود کن.

مروایت چهاردهم:

عن الرسول محمد صلى الله عليه وآله أنه قال لعلي عليه السلام: (يا علي، ما عُرِفَ اللهُ إِلَّا بِى ثُمَّ بك؛ مَنْ جَحَدَ ولايَتَكَ، جَحَدَ اللهُ رُبُوبِيَّتَهُ، يا علي أنت علم الله بعدي الأكبر) ^(۲).
از رسول الله محمد صلى الله عليه وآله به امام علی عليه السلام فرمودند: (ای علی! خدا جز بوسیله ی من و تو شناخته نمی شود، هر کس ولایت تو را انکار کند، ربوبیت خدا را انکار کرده است، ای علی تو علم بزرگ خدا بعد از من می باشی).

مروایت پانزدهم:

و عنهم عليهم السلام أنهم قالوا: (نحن الليالي و الأيام، من لم يعرف هذه الأيام لم يعرف الله حق معرفته، فإلسبت، رسول الله صلى الله عليه و آله وسلم النبوة ولا نبى بعده ... و الخميس، خمسة أنوار، الرضا، والجواد، والهادي، والعسكري، والمهدي و) ^(۳).
و از ایشان عليهم السلام فرمودند: (ما شبها و روزها هستیم، هر کس این روزها را نشناسد خدا را به راستی نشناخته است، پس شبها، رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم نبوت است و بعد از او نبی نیست ... و پنجشنبه، پنج نور، امام رضا، جواد، هادی، عسگری و مهدی و...).

۱- توحید شیخ صدوق: ص ۲۹۰.

۲- بحار الأنوار: ج ۲۲ ص ۱۴۸.

۳- موسوعة الإمام الجواد عليه السلام سيد حسینی قزوینی: ج ۱ ص ۱۹۲.

و یادآوری کنم که ذکر بسیاری از روایات را ترک گفتم، و آنچه ذکر شد کافی است، و همچنین شرح بسیاری از روایات را به علت روشنی و صراحت آنها را ترک گفتم.

و اما استدلال شیخ بغدادی در مورد این روایت: (اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ رَسُولَكَ، اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ، اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي).

(خدایا! خودت را به من بشناسان، زیرا اگر خودت را به من شناسانی پیامبرت را نخواهم شناخت، خدایا پیامبرت را به من بشناسان، زیرا اگر پیامبرت را به من شناسانی، حجتت را نخواهم شناخت، خدایا بشناسان به من حجتت را، زیرا اگر حجتت را به من شناسانی، از دینم گمراه خواهم شد).

و این متن در شناخت خداوند متعال از طریق ائمه عليهم السلام تنافی ندارد، و می توان آن را به این صورت توجیه کرد:

(خدایا! خودت را به من بشناسان) از طریق همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است که آن سرشت توحید و یکتا پرستی است، تا بدانم برای من پروردگار و خالق است، و در این حالت باید بدانم که باید برای آن پروردگار فرستاده هایی بین او و خلقش باشد زیرا او سبحانه منزه از آن است که خلقش را بطور مستقیم مورد خطاب قرار دهد، پس برای اینکه آن پروردگار را به راستی بشناسم و او را یگانه قلمداد کنم و همانطور که او می خواهد بپرستم به ناچار باید فرستاده و سفیرش بین مردم را بشناسم، و با این حال اگر شناخت وجود خالق نباشد به جستجو و شناخت فرستاده متوجه نمی شدیم: (زیرا اگر خودت را به من شناسانی پیامبرت را نخواهم شناخت)، و اگر فرستاده ات نبود به راستی یگانه پرستی و عبادت و صفات خالق و..... و نحوه ی رسیدن به شناخت کامل و حقیقی نسبت به عقائد و احکام (اگر ما نبودیم خدا شناخته نمی شد) را نمی شناختم. و برای همین است می بینید که مشرکین و بت پرستان وقتی که به شناخت فرستادگان و خداوند متعال از طریقشان هدایت نشدند مشرک و بت پرست و سیاره پرست و غیره از مخلوقات که در وجودشان فقیر و نیازمند به غنی هستند

روی آوردند، پس آنها ایمان دارند که خالق و بوجود آورنده خداوند متعال است ولیکن معتقد شدند که برای این بتها تأثیری در وجود با استقلال و جدایی از خداوند متعال دارند، خداوند متعال فرمود: ﴿بَلْ قَالُوا مِثْلَ مَا قَالَ الْأَوَّلُونَ * قَالُوا أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ * لَقَدْ وَعَدْنَا نَحْنُ وَآبَاؤُنَا هَذَا مِنْ قَبْلُ إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ * قُلْ لِمَنِ الْأَرْضُ وَمَنْ فِيهَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ * سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ * قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ * سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ * قُلْ مَنْ مَنِ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ * سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ فَأَنَّى تُسْحَرُونَ * بَلْ أَتَيْنَاهُمْ بِالْحَقِّ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ * مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِنْ وَلَدٍ وَمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ إِلَهٍ إِذَا لَدَّهَبَ كُلُّ إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَّ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ * عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾.

(نه بلکه آنان نیز مثل آنچه پیشینیان گفته بودند گفتند * گفتند آیا چون بمیریم و خاک و استخوان شویم آیا واقعاً باز ما زنده خواهیم شد * درست همین را قبلاً به ما و پدرانمان وعده دادند این جز افسانه‌های پیشینیان چیزی نیست * بگو اگر می‌دانید بگویند زمین و هر که در آن است به چه کسی تعلق دارد * خواهند گفت به خدا بگو آیا عبرت نمی‌گیرید * بگو پروردگار آسمانهای هفتگانه و پروردگار عرش بزرگ کیست * خواهند گفت خدا بگو آیا پرهیزکاری نمی‌کنید * بگو فرمانروایی هر چیزی به دست کیست و اگر می‌دانید کیست آنکه او پناه می‌دهد و در پناه کسی نمی‌رود * خواهند گفت خدا بگو پس چگونه دستخوش افسون شده‌اید * نه بلکه حقیقت را بر ایشان آوردیم و قطعاً آنان دروغ‌گویند * خدا فرزندی اختیار نکرده و با او معبودی دیگر نیست و اگر جز این بود قطعاً هر خدایی آنچه را آفریده بود باخود می‌برد و حتماً بعضی از آنان بر بعضی دیگر تفوق می‌جستند منزله است خدا از آنچه وصف می‌کنند * دانای نهان و آشکار و برتر است از آنچه با او شریک می‌گردانند) (۱).

و خداوند متعال فرمود: ﴿وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ * وَ لَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ﴾.

(و کسانی که به جای او می خوانند و می پرستند، اختیار شفاعت ندارند مگر آن کسانی که آگاهانه به حق گواهی داده باشند* و اگر از آنان پرسى چه كسى آنان را خلق کرده مسلماً خواهند گفت خدا پس چگونه از حقیقت باز گردانیده می شوند) ^(۱).

و برای همین است ائمه عليهم السلام را می بینیم بین این دو معنا جمع بستند، پس امام جعفر صادق فرمودند: (لولا الله ما عرفنا و لولا نحن ما عرف الله).

یعنی: (اگر خدا نبود شناخته نمی شدیم و اگر ما نبودیم خدا شناخته نمی شد).

و از ابی جعفر امام محمد باقر عليه السلام فرمودند: (إِنَّمَا يَعْرِفُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَيَعْبُدُهُ مَنْ عَرَفَ اللَّهَ وَعَرَفَ إِمَامَهُ مِمَّا أَهْلَ الْبَيْتِ وَمَنْ لَا يَعْرِفُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَلَا يَعْرِفُ الْإِمَامَ مِمَّا أَهْلَ الْبَيْتِ فَإِنَّمَا يَعْرِفُ وَيَعْبُدُ غَيْرَ اللَّهِ هَكَذَا وَاللَّهُ ضَالًّا).

یعنی: (کسی خدا را می شناسد و او را عبادت می کند که معرفت به خدا و امام از اهل بیت عليهم السلام داشته باشد. کسی که معرفت به امام از اهل بیت عليهم السلام نداشته باشد، غیر خدا را می شناسد و غیر او را عبادت می کند).

و همچنین اگر پیامبر نبود حجت شناخته نمی شد، و اگر حجت نبود پیامبر شناخته نمی شد، و به عبارتی دیگر: ما وقتی که دانستیم حاکمیت و تعیین خلیفه از جانب خدا است و اینکه پیامبر عليه السلام هنگامی که به جوار پروردگارش رحلت کند امت را بدون خلیفه که دست آنها را بگیرد و به راه مستقیم هدایت کند و از آنچه پیامبر عليه السلام با آن آمد محافظت کند را ترک نمی گوید، تا خلافت با رأی و نظرها و بر اساس مصلحت ها و امیال و هر کس که بخواهد انجام دهد نباشد. دانستیم که پیامبر عليه السلام خلیفه ای بعد از خود به امر خداوند متعال و گزینش او سبحانه تعیین می کند، پس اگر شناخت پیامبر عليه السلام نباشد حجت بعد او شناخته نمی شود، و با توجه به اینکه حجت نگهدارنده و نگهدارنده رسالت پیامبر عليه السلام و آنچه که با آن آمد است؛ پس هر کس حجت را نشناسد از دینش گمراه شد، و برای همین است می بینیم آنهایی که به شناخت حجت حق بعد رسول الله عليه السلام هدایت نشدند از دین خود گمراه شدند و خدا و

پیامبر خدا را آنگونه که باید نشناختند، پس امور بیهوده را به پیامبر ﷺ نسبت دادند و از میان آنها کسانی هستند که به خدای متعال تجسید و تشبیه و فرود آمدن و از امور باطل را نسبت دادند.

پس هر کس حجت را نشناخت از دین خود گمراه شد و پیامبر ﷺ و خداوند متعال را نشناخت، و آن کس که خداوند متعال را نشناخت پیامبر را نشناخته است و آن کس که حجت را نشناخت از دین خود گمراه شد.

(خدایا! خودت را به من بشناسان، زیرا اگر خودت را به من شناسانی پیامبرت را نخواهم شناخت، خدایا پیامبرت را به من بشناسان، زیرا اگر پیامبرت را به من شناسانی، حجتت را نخواهم شناخت، خدایا بشناسان به من حجتت را، زیرا اگر حجتت را به من شناسانی، از دینم گمراه خواهم شد)، (اگر خدا نبود شناخته نمی شدیم و اگر ما نبودیم خدا شناخته نمی شد).

و با این حال استدلال اشتباه شیخ احمد بغدادی با روایت: (اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ، خدایا! خودت را به من بشناسان) مبنی بر اینکه این دعاء صریح الدلاله بر این است که خداوند متعال بوسیله ی حجت هایش ﷺ شناخته نمی شود، تبیان شد. و لا اقل اینکه آنها ظنی الدلاله و در برابرشان روایات متواتر و قطعی الدلاله وجود دارند، و از این جهت حال بقیه ی روایات که با آنها استدلال کرد تبیان می شوند که آنها به هر حال بر حسب خواسته اش در استدلال استوار نمی باشند.

و اما گفته اش (شیخ احمد بغدادی): (اگر از این بحث صرف نظر کنیم پس قید اختصاص آن به امام مهدی (عجل الله فرجه) - یعنی عبارت خدا را بواسطه ی خدا بشناس - چیست؟ خصوصاً اینکه آن کلام فرا گیرنده و شامل دیگر ائمه ی انوار می باشد بدلیل اینکه آنها سبب شناخت خداوند سبحان هستند، پس اگر گفتی قصد ما در این زمان است، می گوئیم علی رغم اینکه تو مقید نکردی ولیکن حتی.....).

می گویم: اختصاص کلام به امام مهدی علیه السلام بدلیل این است که ایشان علیه السلام امام عصر است، و این از طی قرینه ی حال واضح است، اضافه بر آن سید احمد الحسن در جزء اول کتاب متشابهات آن را بیان فرمودند، و فرا گیرنده و شامل تمامی ائمه علیهم السلام و هر کدام در عصر خویش می باشد، پس به آن مرد ظلم نکن و به آنچه نسبت به آن نادان هستی دروغ نبند، زیرا در نتیجه مصداق فرموده ی حق تعالی خواهی بود که فرمود: ﴿بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَكَمَا يَأْتِيهِمْ تَأْوِيلُهُ...﴾، (بلکه چیزی را دروغ شمردند که به علم آن احاطه نداشتند و هنوز تاویل آن برایشان نیامده است...) ^(۱).

و از کلام متشابه پیروی مکن، پس دانسته یا ندانسته گمراه می شوی و به دشمنی اولیای خداوند متعال به خیال فعل نیک می پردازی، خداوند ما و تو را از آن دور کند و تو را به حق هدایت کند.

و ائمه علیهم السلام به این اشاره داشتند که هر کدام از آنها در زمانش وسیله و راهی برای شناخت خداوند متعال می باشد.

عَنْ سَلَمَةَ بْنِ عَطَا، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام، قَالَ: (خَرَجَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ علیه السلام عَلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ ذَكَرَهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبْدُوهُ، فَإِذَا عَبْدُوهُ اسْتَعْنَوْا بِعِبَادَتِهِ عَنْ عِبَادَةِ مَا سِوَاهُ. فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي فَمَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ؟ قَالَ: مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامُهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ) ^(۲).

از امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: (حضرت امام حسین علیه السلام در میان اصحاب خود فرمودند: اصحاب من! خداوند مردم را آفرید تا او را بشناسند وقتی شناختند او را می پرستند، وقتی او را پرستیدند از پرستش دیگران دست می کشند. مردی عرض کرد: یا ابن رسول الله پدر و مادرم فدایت معنی معرفت خدا چیست؟ فرمود همان معرفت و شناخت اهل هر زمانی است امام زمان خود را).

۱- یونس: ۳۹.

۲- علل الشرائع- شیخ صدوق: ج ۹ به نقل از بحار انوار: ج ۵ ص ۳۱۲ ح ۱.

رحم الله من سمع حكماً فوعى، و دعى الى رشاد فدنا.

خدا رحمت کند کسی را که حکمتی را بشنود پس آگاه شود و به راه رشد دعوت کند.

والحمد لله رب العالمين

وصلی الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدیین وسلم تسليماً.